

همزمان با برگزاری جشن های سالگرد تولد پیکاسو در پاریس ، کتاب های دیگری در باره زندگی او در ایران ترجمه و چاپ شده است از جمله ترجمه ای از لی گلستان و همچنین دکتر مهدی سمسار.

پیش از این نیز در ایران کتاب های متعددی درباره زندگی او انتشار یافته؛ ژیلو) برگردان علیرضا گران نظر، پیکاسو (گرتروداستاین) برگردان عزیزه عضدی ، زندگی و هنر پیکاسو (لوتار بوخ هایم) علی اکبر معصوم بیگی، شکست و پیروزی پیکاسو (جان برگر) محمد رضائی و... هیچ هنرمندی تاکنون در زمان حیاتش همچون او توفیق دست یافتن به چنان شهرت و ثروت عظیمی را نداشته، تاکنون صدها جلد کتاب درباره او و آثارش به چاپ رسیده که در سراسر جهان خوانندگان را به خود فرامی خواند.

پیکاسو در دوران جنگ داخلی اسپانیا از ثروت هنگفت خود مبالغ زیادی را برای کمک به جمهوری خواهان نیازمند کشورش صرف کرد. او همراه با آرمان های جمهوری خواهان یا شوری فراوان خود را وقف آرمان جمهوری کرده بود از جنبه های مختلفی به فعالیت در مقابل فرانکوفاشیست پرداخت، در این فعالیت ها، استیون اسپندر، داپیلو، اوج اودن، آرتور کسترلر، جرج اورول و... نیز همراه بودند

هنر دروغی است که حقیقت را به ما می فهماند

ترجمه ساسان تپسی

آنهایی که با سماجت بسیار قصد راه یافتن به تئوری کارهای ما را داشتند، اما خیال ما راحت بود، چون در دریای ریزه کاری های ما غرق می شدند.

من در آثارم، از آنچه دوست داشتم ام، استفاده می کنم و به من مربوط نیست دیگران به سر خود چه می آورند.

قبلا، تابلوها مرحله به مرحله به اتمام نزدیک می شد یک منظره، یک طبیعت مرده و یا یک پرتره عبارت از جمع مکمل ها بود.

تابلوها و آثار من عبارت اند از جمع تخریب ها، با وجود این هرگز چیزی را در آنها «از دست رفته» نیافته ام. آخر چگونه می توان چگونگی یک سوژه در اثری را از پیش منجم کرده؟ وقتی کشیدن طرحی را آغاز می کنید، حین کار، تابلو مثل فکر شما عوض می شود به کشفیات تازه ای، چه کشنگ و چه زشت، دست می یابید ولی می بایست ابتدا از این زیبایی ها حذر کنید و در درجه ای دوم از زشتی ها...

به عبارت دیگر، باید تابلو را خراب کرد و چندین بار آن را از نوری حالت سابق اش کشید، باید توجه داشت که هر بار که در یک تابلو، نکته ای کشف شده ی زیبایی را خراب می کنید، آن را از بین نمی برید، بلکه تغییرش می دهید. فشرده ترش می کنید و بر اهمیت آن می افزایید. در آخر کار اثر تمام شده، محصولی است از مجموعه ی کشفیات به دور انداخته شده...

من می خواهم به جای بزم که کسی نتواند دریابد که آثار من چگونه کشیده شده اند.

هنر و سبک «آبستره ی ذهنی»

وجود ندارد، باید تابلو را با چیزهای عینی شروع کرد، ولی بعد می توان شناخت خود را از سوژه بر اثر تحمیل کرد و آثار واقعیت ها را از آن ساخت و پاک کرد.

این عمل خطری در پی ندارد، چون در این جا، میان ایده و واقعیت پل ارتباطی محکمی در اثر بوجود می آید که هرگز به کهنگی نخواهد گرایید و پا برجا خواهد ماند.

در مراسم با شکوهی که به مناسبت هشادوپنجمین سال تولدش در پاریس برقرار شده بود، درباره ی سبک و آثارش در دوره های مختلف زندگی هنری، چنین عقایدی ابراز داشت:

من به همراهی چند تن از رفقا، وقتی پایه های اولیه کویسم را بنا می کردیم به هیچ قصد کشف آن را نداشته ایم - ما فقط می خواستیم آنچه در وجود ما بوده، نشان داده شود. هیچکدام از ما، نقشی معینی نداشت در آن زمان، همه ی منتقدین، کارشناسان، دست اندرکاران و سوداگران نخبه ی دنیای هنر نقاشی، شدت فعالیت داشتند تا با زیر نظر داشتن پیشرفت، داس بیرحم انتقادات و عقاید قدیمی خود را برگردنمان فرود آورند. آن ها نه تنها کوچک ترین تشویقی نمی کردند، بلکه هیچ راه و روش معینی جلوی ما نمی گذاشتند. به من لقب «مردی تشنه ی جست وجو» داده بودند، غافل از این که من دنبال چیزی نمی گردم، من پیدا می کنم.

ما می دانیم که هنر حقیقت نیست، بلکه دروغی است که حقیقت را به ما می فهماند... یا لااقل حقیقتی است که انسان قادر به درک آن باشد. آن ها می خواستند که کویسم ما را تبدیل به نوعی ستایش از جسم و حجم کنند. از این روه نقاشان کم استعداد و ضعیف اجسام را بزرگ و بزرگ تر کشیدند و به این ترتیب به تصورشان می آمد که مکعب کردن اشکال و اجسام، یعنی بزرگ و سنگین تر کردن هر چه بیشتر سوژه ها.

برای من در آن وقت دو مسأله مطرح بود. اول اینکه متوجه شدم، نقاشی ارزش معینی در خود دارد که هیچ

نیازی به محتوی نشان دادن ندارد. فکر می کردم صحیح تر این است که ما اجسام و سوژه ها را آن طور که می شناسیم، بکشیم - نه آن طوری که می بینیم. یک اثر خوب می تواند ایده و تصویری از یک شیئی را نشان دهد، نه ظاهرش را. این جا بود که رنگ معیار اندازه گیری اشکال شد. هدف ما اصلا و ابدا بازگشت به دنیای حساب شده و اصول هندسی نبود، هر چند بودند



چرا کفش هایت جفت نمی شود شعر من؟
شاعر: آذر کیانی
ناشر: نسیم گاه
چاپ: اول/بهار ۸۰
«ایست» شعری است از این مجموعه که می خوانید.
صورت عقیم است/در این مه غلیظ و بی حضور چشم ها/اولین کبوتران مفیدی که پرواز کردند از دهان تو /در لانه اند به انتظار تنم هنوز

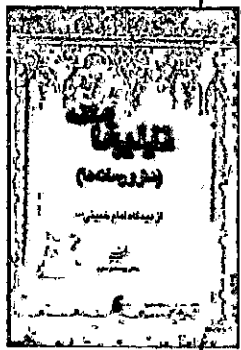


تلیفات (هنر در رسانه ها) از دیدگاه امام خمینی (س)

ناشر: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)

«کتابی که پیش روی شماست، مجموعه ای فراهم آمده از گفتار و نوشتار رهبر فقید انقلاب درباره اهمیت هنر و تلیفات و ضرورت و ویژگی های آن است که در مجله بیست و سوم از مجموعه آثار موضوعی تدوین گردیده است.»

علاوه بر این مجموعه شماره چهل و یکم فصلنامه «حضور» نیز به اهتمام همین



انتشارات روانه بازار شده است.



صدای سوت سیاه پاسبان ها
سروده وحید مدحتی
متن دوزیانه
ترجمه به فرانسه: داود دهقان
مرکز نشر صدا
«برگرد او بر مدار من دوباره بچرخ/این بار اگر به سرگیجه رسیدی/کنانه من است»

وقتی یتیم بودیم

کازوئو ایشی گورو

ترجمه مزده دقیقی

انتشارات هرمس (وابسته به موسسه شهر کتاب)

درباره نویسنده

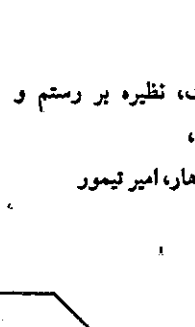
کازوئو ایشی گورو در ۱۹۵۴ در ناگاساکی ژاپن به دنیا آمد و در پنج سالگی با خانواده اش به انگلستان مهاجرت کرد. او پیش از این چهار رمان دیگر نوشته است. منظره کمربند تپه ها (۱۹۸۲)، نقاشی جهان شناور (۱۹۸۶)، یازمانده روز (۱۹۸۹) و تسلی ناپذیر (۱۹۹۵). آثار ایشی گورو به بیست و هشت زبان ترجمه شده است. یازمانده روز، کم جایزه بوکر را برای او به ارمغان آورد، در جهان پرفروش شد و تنها به زبان انگلیسی بیش از یک میلیون نسخه فروش کرد.

کازوئو ایشی گورو
وقتی یتیم بودیم



بهترین بچه عالم
نوشته جیمز توماس
ترجمه اسدالله امرایی
مجموعه چشم انداز (نشر شولا)
چاپ دوم ۱۳۸۱
جیمز توماس در مقدمه کتاب چنین می گوید:

داستان تا چه حدی می تواند کوتاه باشد و در عین حال واقعا داستان بماند؟ کتاب حاضر تلاشی است برای یافتن پاسخی درخورد به این پرسش. پاسخی که به هر صورت قطعاً ذهنی است. خیلی چقدر است؟ داستان عالی و منسجم «یک داستان خیلی کوتاه» از نست مینگوی حدود ۷۵۰ کلمه است و هیچ کدام از داستان های این مجموعه از آن بیشتر نیست. ضمناً هیچ کدام از داستان هایی که در اینجا می خوانید از ۲۵۰ کلمه کمتر نخواهد بود.



زندان بزرگ
بهداد



مجموعه فوق آثاری است که به سعی بهداد اربابی و به اهتمام انتشارات منشور امید روانه بازار شده است.